



University of Tehran Press

Private Law

Home Page: <https://jolt.ut.ac.ir>

Online ISSN: 2423-6209

The Validity of Data Generated by Artificial Intelligence in the Arbitration Process

Mohammadamin Esmaeilpour^{1*} | Fateme Ghanad²

1. Corresponding Author, Department of Private Law, Faculty of Law, University of Science and Culture, Tehran, Iran. Email: maesmaeilpour@yahoo.com

2. Department of Electronic Commerce Law, Faculty of Law, University of Science and Culture, Tehran, Iran. Email: ghanad.usc@gmail.com

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:

Received January 14, 2024

Revised September 21, 2024

Accepted September 24, 2024

Published online 18 March 2025

Keywords:

evidence,
intelligent data,
testimony,
Aristotelian logic,
expert theory.

ABSTRACT

The differences and disputes regarding the nature and essence of the reasons, validity, and place of the results and data generated by artificial intelligence in the arbitration process can be subject to controversy. The increasing development of the use of artificial intelligence in various fields, including arbitration and the importance of documented and well-reasoned opinions, have drawn the author's attention to the hypothesis of the feasibility of citing intelligent data. The present article, with a descriptive-analytical approach, concludes that the results obtained from machines, in certain cases, can be positioned as expert opinions, testimonies, advisory theories, judicial or legal statistics. Although the possibility of relying on the output of artificial intelligence is not specified in the current laws, it can be inferred from the general objectives of the arbitration laws that the free evaluation of evidence to discover the truth is of great importance. Artificial intelligence, with its computational thinking ability, adherence to mathematical logic, and predefined rules, can be effective in uncovering the truth, which aligns with one of the ultimate objectives of the legislator.

Cite this article: Esmaeilpour, M. & Ghanad, F. (2024-2025). The Validity of Data Generated by Artificial Intelligence in the Arbitration Process. *Private Law*, 21 (2), 339-353. <http://doi.org/10.22059/jolt.2025.387070.1007355>



© The Author(s). **Publisher:** University of Tehran Press.
DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2025.387070.1007355>



انتشارات دانشگاه تهران

حقوق خصوصی

سایت نشریه: <https://jolt.ut.ac.ir>

شاپا الکترونیکی: ۶۲۰۹-۲۴۲۳

اعتبار داده‌های تولیدشده توسط هوش مصنوعی در فرایند داوری

محمدامین اسمعیل‌پور^{۱*} | فاطمه قناد^۲

۱. نویسنده مسؤل، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه علم و فرهنگ، جهاد دانشگاهی، تهران، ایران. رایانامه: maesmaeilpour@yahoo.com
 ۲. گروه حقوق تجارت الکترونیکی، دانشکده حقوق، دانشگاه علم و فرهنگ جهاد دانشگاهی، تهران، ایران. رایانامه: ghanad.usc@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸

کلیدواژه:

اماره،

داده هوشمند،

شهادت،

منطق ارسطویی،

نظریه کارشناسی.

اختلاف و نزاع در ماهیت و پیستی دلیل اعتبار و جایگاه نتایج و داده‌های تولیدشده توسط هوش مصنوعی در فرایند داوری را می‌تواند مورد مناقشه قرار دهد. توسعه روزافزون کاربرد هوش مصنوعی در عرصه‌های مختلف، از جمله داوری و اهمیت مستند و مستدل بودن آراء، فرضیه امکان‌سنجی استناد به داده‌های هوشمند را مورد توجه نگارندگان قرار داده است. نگارش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی نتیجه‌گیری می‌کند که نتایج حاصل از ماشین در موارد خاص می‌تواند در جایگاه نظریه کارشناسی، شهادت، نظریه مشورتی، اماره قضایی یا قانونی قرار بگیرد. اگرچه امکان استناد به خروجی هوش مصنوعی در قوانین حاضر تصریح نشده، از اهداف کلی قوانین داوری برداشت می‌شود که ارزیابی آزاد ادله به منظور کشف حقیقت از اهمیت والایی برخوردار است. هوش مصنوعی با قابلیت تفکر محاسباتی، پیروی از منطق ریاضی، و قواعد ازپیش‌تعیین‌شده می‌تواند در کشف حقیقت، که از اهداف غایی قانون‌گذار است، مؤثر باشد.

استناد: اسمعیل‌پور، محمدامین و قناد، فاطمه (۱۴۰۳). اعتبار داده‌های تولیدشده توسط هوش مصنوعی در فرایند داوری. *حقوق خصوصی*، ۲۱ (۲) ۳۳۹-۳۵۳.
<http://doi.org/10.22059/jolt.2025.387070.1007355>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2025.387070.1007355>



مقدمه

واژه دلیل در ادبیات فارسی به معنای راهنما و رهبر است. در اصطلاح تخصصی، دلیل به مثابه یک راهنما عقل را به سوی واقعیت چه اعتباری چه خارجی هدایت می‌کند. گاهی دلیل همان برهان و قیاس در علم منطقی است که موجب اقتناع روح در وجود حقیقت می‌شود. هدف نهایی دلیل رسیدن قاضی یا داور به واقعیت مطلق نیست، بلکه ایجاد یک اعتقاد درونی برای دادرس جهت وصول به حقیقت است (کاتوزیان، ۱۳۹۵: جلد اول، ۲۰ - ۲۱). برخی معتقدند در نظام حقوقی ایران بر اساس ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی و مواد ۲۵۷ و ۲۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی ادله قانونی مورد پذیرش است و دادرس مکلف است در محدوده ادله تعیین و تعریف شده در قانون اقدام به صدور حکم کند (عطاردیان، ۱۳۹۸: ۷۳ - ۷۴). هوش مصنوعی قوی همانند هوش انسانی قابلیت تفکر، آگاهی، یادگیری، درک عواطف و احساسات، و خودآگاهی دارد. برخی در مقام تعریف از هوش مصنوعی قوی اظهار کرده‌اند که این سیستم توانایی تفکر دارد و از هوش مشابهی همچون انسان یا فراتر از آن برخوردار است. در توجیه آن چنین استدلال کرده‌اند که ذهن انسان از منطق ریاضی تبعیت می‌کند و این منطق قابل اجرا در ماشین‌های هوشمند است (Yavuz, 2019: 8).

با توجه به گسترش روزافزون هوش مصنوعی در عرصه‌های مختلف و به‌کارگیری آن در دادگاه‌ها و دیوان داوری این مسئله پیش می‌آید که آیا داور می‌تواند از خروجی ماشین‌ها در مقام دلیل استفاده کند. سایر نوشتار در خصوص امکان‌سنجی به‌کارگیری هوش مصنوعی در ارزیابی ادله (اسمعیل پور و همکاران، ۱۴۰۲: ۵۸) یا به صورت کلی گویی به چالش‌های هوش مصنوعی در امر قضاوت بسنده کرده‌اند. اما پژوهشی در خصوص اعتبار داده‌های هوش مصنوعی در داوری صورت نگرفته است. به همین سبب نگارندگان حاضر با رویکرد توصیفی و تحلیلی سعی در تحلیل موضوع و ارائه راهکارهای مناسب از جنس نوآوری مطابق با قوانین ایران دارند. هدف از نگارش این نوشتار پاسخ به این سؤال است که چنانچه طرفین حل اختلاف داده‌های تولیدشده توسط هوش مصنوعی را در موافقت‌نامه داوری معتبر تلقی کنند، جایگاه و اعتبار خروجی هوش مصنوعی چیست؟ به عبارت دیگر آیا داور می‌تواند به یافته‌های هوش مصنوعی در صدور رأی نهایی استناد کند؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، داده‌های هوشمند ذیل کدام ادله می‌تواند قرار بگیرد؟ آیا شرایط و اوصاف دلایل سنتی و مندرج در قوانین مدنی و آیین دادرسی مدنی را دارند؟ مفروض نویسندگان در این مقاله آن است که در داوری حاکمیت و آزادی اراده طرفین از اصول و محورهای اساسی قوانین و مقررات ملی و بین‌المللی محسوب می‌شود. با توجه به اصل یادشده، طرفین بر اساس توافق خود قواعد و تشریفات مرتبط با فرایند داوری را مشخص می‌کنند. اما این آزادی به منزله مبسوط الید بودن اشخاص و داورها نیست؛ بلکه رعایت اصول و قواعد آمره مرتبط با نظم عمومی الزامی است. در این فرایند، طریقه پذیرش و ارائه ادله با قواعد غیر منعطف و سختگیرانه دادگاه‌ها همخوانی ندارد و اراده طرفین می‌تواند داده‌های تولیدشده توسط هوش مصنوعی را در ردیف سایر ادله قرار دهد. بنابراین با عنایت به قوانین موضوعه نظام حقوقی ایران در بخش‌های مختلف مقاله تحلیل می‌شود تا چه میزان داده‌های هوشمند با برخی از دلایل سنتی هم‌پوشانی دارد.

نظریه کارشناسی

دادرس به موجب ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی می‌تواند به منظور کشف حقیقت علاوه بر رسیدگی به ادله طرفین هر گونه اقدام کاشف حقیقت را انجام دهد. یکی از اقدامات و طرق کاشف ارجاع موضوع به کارشناس است. در این قسمت بررسی می‌شود که آیا داور می‌تواند از یافته‌ها یا داده‌های هوش مصنوعی به عنوان نظریه کارشناسی بهره‌برد و آن را در رأی خود منعکس کند. ویژگی و اوصاف کارشناسان چیست و تا چه میزان هوش مصنوعی در تحقق این اوصاف می‌تواند موفق باشد؟ چه موضوعاتی قابلیت ارجاع به کارشناسی دارد و نظریه متخصصان امر طریقت دارد یا موضوعیت؟ پاسخ به سؤالات بیان‌شده می‌تواند پذیرش یا رد فرضیه نگارش را تقویت کند.

کارشناس

تعاریف مختلفی از مفهوم کارشناسی در آرا و اقوال اندیشمندان به عمل آمده که به برخی از آن‌ها اجمالاً اشاره می‌شود. کارشناس در لغت به معنای دانشمند و خبره و در اصطلاح حقوقی شخصی است که صاحب علم و فن است (مردانی، ۱۳۸۰: ۱۵۳). کارشناس شخصی است که به واسطه علم و شغل و کسب دارای مهارت و تخصص است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ج ۴: ۵۶۳). کارشناس کسی است که دادرس برای تمیز حق از او می‌خواهد دانش و فن خود را مستقیم یا بر حسب استنباطش از وقایع علمی و فنی در اختیار بگذارد (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۳۱۷ - ۳۱۸). در تعاریف لغوی و اصطلاحی، همگی متفق القول بر این باورند که کارشناس باید در موضوع ارجاع شده از مهارت و تخصص کافی برخوردار باشد. چه اینکه فقدان خصیصه یا ویژگی یادشده نقض غرض خواهد بود.

در ماده ۲۵ قانون داوری تجاری بین‌المللی مقرر شده است که داور می‌تواند در صورت لزوم موضوع را به کارشناس ارجاع دهد. از جمله موارد ضروری ارجاع امر به کارشناس مسائل مربوط به امور موضوعی یا مالی یا فنی است که نیاز به رسیدگی‌های دقیق محاسباتی دارد. کارشناس، پس از تقدیم نظریه، به درخواست طرفین یا داور باید جهت ادای توضیحات در جلسات استماع شرکت کند (مافی، ۱۳۹۷: ۲۷۹). در قواعد و قوانین مرتبط با داوری شخصیت کارشناس مسکوت مانده و مقنن صرفاً بر لزوم ارجاع موضوعات خارج از تخصص دادرس یا داور به کارشناس تأکید کرده است. به عبارت دیگر، رسیدگی و ارزیابی موضوعات تخصصی توسط اهل خبره موضوعیت دارد و در صورتی که هوش مصنوعی بتواند موضوع تخصصی و فنی را بسان اشخاص حقیقی ارزیابی کند هدف و غایت مد نظر مقنن به شرح یادشده را محقق می‌سازد. گواه این مطلب آن است که در ماده مارالذکر مقنن به صراحت به لزوم ارجاع امور فنی یا علمی به کارشناسان انسانی اشاره نکرده است.

هوش مصنوعی عمومی همانند هوش انسانی قابلیت تفکر، آگاهی، یادگیری، درک عواطف و احساسات، و خودآگاهی دارد. برخی در مقام تعریف از هوش مصنوعی قوی اظهار داشته‌اند که چنین سیستم هوشمندی توانایی تفکر دارد و از هوش مشابهی همچون انسان یا فراتر از آن برخوردار است. در توجیه آن چنین استدلال کرده‌اند که ذهن انسان از منطق ریاضی تبعیت می‌کند و این منطق قابل اجرا در ماشین‌های هوشمند است (Yavuz, 2019: 8). بنابراین هوش مصنوعی با قابلیت فوق و قدرت محاسباتی می‌تواند امور فنی و ریاضی را چه‌بسا بهتر از انسان تقلید کند. گفتنی است کارایی و دقت الگوریتم‌های هوش مصنوعی به‌شدت وابسته به توانایی ماشین‌ها در یادگیری داده‌های جدید و متفاوت است و همین موضوع می‌تواند چالش‌هایی را ایجاد کند. یکی از این محدودیت‌ها پدیده‌ای است که به عنوان «بیش‌برازش» شناخته می‌شود. بیش‌برازش وقتی رخ می‌دهد که الگوریتم ویژگی‌های خاص و فردی داده‌ها را یاد می‌گیرد و بر اساس آن‌ها تصمیم‌گیری می‌کند. در چنین مواردی، هوش مصنوعی در مواجهه با داده‌های جدید ممکن است دچار خطا شود (Sirvastava, 2021: 30). مثلاً چنانچه الگوریتم برای ارزیابی و تشخیص سند رسمی از عادی صرفاً ویژگی خاصی همچون امضای سردفتر را آموزش دیده باشد، در شناسایی جدید اسناد از حیث عادی و رسمی سایر ویژگی‌های اسناد، از جمله کد رهگیری و غیره، را نادیده می‌گیرد. به نظر می‌رسد صرف اتکا به نتایج تولیدشده توسط هوش مصنوعی کافی نیست و مستلزم نظارت انسانی است؛ همان‌طور که ارزیابی نهایی نظریه کارشناسان انسانی در صلاحیت داور است.

فناوری سنجش از راه دور داده‌ها و تصاویر مرتبط با سطح زمین را از طرق مختلف، مانند ماهواره‌ها و هواپیماهای بدون سرنشین و سایر منابعی که حاوی اطلاعات جغرافیایی است، به دست می‌آورد. روش‌های سنتی پردازش داده‌های جغرافیایی نیاز به نظارت کارشناسان انسانی دارد و بررسی دستی زمان‌بر و مستعد اشتباهات و خطاهای انسانی است. هوش مصنوعی با استفاده از روش یادگیری ماشین، به‌خصوص یادگیری عمیق، تصاویر و داده‌های جغرافیایی را دسته‌بندی و به صورت کارآمد تجزیه و تحلیل می‌کند. همچنین هوش مصنوعی تغییرات پوششی سطح زمین بر اثر عوامل گوناگون، مانند تغییر کاربری اراضی، را تشخیص می‌دهد. نیز هر گونه تغییرات غیر عادی را بررسی می‌کند و نتایج مخرب آن در آینده را نیز تخمین می‌زند. اطلاعات و داده‌های هوش مصنوعی در نتیجه پردازش داده‌ها می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های مراجع قانونی جهت حمایت از محیط زیست مؤثر واقع شود (Ni & Wang, 2024: 104-105).

جهت تقریب ذهن به موضوع به کاربرد یافته‌های هوش مصنوعی در صدور آرای دقیق و متقن اشاره می‌شود. در پرونده‌ای خواهان طی دادخواستی از خوانده به علت دیوارکشی در باغ و تغییر کاربری اراضی مطالبه خسارت کرد. این موضوع به علت صدور آرای متناقض در دیوان عالی ایران مطرح شد. دیوان عالی نیز در دادنامه‌ای به شماره ۹۲۰۹۹۸۲۵۳۵۵۰۰۲۲۸ مورخ ۱۳۹۴/۰۶/۰۸ مستند به ماده ۱۰ دستورالعمل تعیین مصادیق تغییر کاربری غیر مجاز و ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی اصلاح قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها مورخ ۱۳۸۶/۰۳/۰۲ به صلاحیت و اختیار وزارت جهاد کشاورزی در تعیین مصادیق تغییر کاربری اراضی اشاره کرد. بر این اساس وزارت کشاورزی در نظریه کارشناسی اعلام کرد چنانچه دیوارکشی مانع از تداوم و استمرار فعالیت کشاورزی شود از مصادیق تغییر کاربری اراضی محسوب خواهد شد. با توجه به قابلیت هوش مصنوعی در پردازش داده‌های بصری جغرافیایی و سنجش هر گونه تغییرات و ناهنجاری‌های غیر معمول در سطوح زمین، این ابزار می‌تواند در شناسایی تغییر کاربری اراضی و اثر آن بر تولید و استمرار کشاورزی مؤثر واقع شود که این امر فرایند داوری را تسریع خواهد کرد.

در خصوص اعتبار داده‌های هوش مصنوعی در جایگاه نظریه کارشناسی به شرح پیش رو استدلال می‌شود. برخی مفاهیم حقوقی می‌توانند مصادیق جدیدی پیدا کنند، به شرطی که مصداق واقعی همان مفاهیم باشند. مثلاً در گذشته حيازت از طریق ابزارهای سنتی، مانند بیل، از اسباب مالکیت بود. اگر شخصی در حال حاضر با ابزارهای نوین، مثل تراکتور و غیره، در مباحات تصرف کند، این عمل حقوقی همچنان حيازت است. زیرا آنچه اهمیت دارد تصرف در مال مباح است. بر این مبنا تصرف چه با ابزارهای سنتی چه با ابزار نوین شکل گیرد تفاوتی در ماهیت عمل ایجاد نمی‌کند (رحیمی و سلطانی، ۱۳۸۵: ۱۴۳).

با این توصیف، در روش‌های سنتی حل و فصل اختلافات خارج از محاکم، همانند داوری یا میانجیگری، داور جهت کشف حقیقت در مواردی موضوع را به کارشناس ارجاع می‌دهد. اگر در خصوص جواز استفاده از هوش مصنوعی به عنوان یک ابزار تسهیلگر یا کارشناس تردید وجود داشته باشد، می‌توان استدلال کرد با توجه به اینکه هدف از ارجاع موضوع به کارشناس کشف حقیقت و اظهار نظر تخصصی و علمی و فنی است، چنانچه هوش مصنوعی چنین هدفی را محقق و میسر سازد، این روش جدید همان مفهوم کارشناسی را تبیین می‌کند. نظریه کارشناس طریقت دارد نه موضوعیت. بنابراین داور در نهایت باید یافته‌های کارشناس یا هوش مصنوعی را با قرائن و امارات تطابق دهد و رأی نهایی را صادر کند و به این معنا نیست که خروجی هوش مصنوعی لزوماً بدون نظارت انسان اجرا شود.

اگر هوش مصنوعی در موضوع فنی و علمی داده‌هایی را تولید کند، در صورت ابهام، آیا داور می‌تواند از ماشین توضیح بخواهد؟ هوش مصنوعی به علت داشتن جعبه سیاه سازکار و نحوه رسیدن به نتیجه را برای طرفین و حتی داور مبهم باقی می‌گذارد. فقدان شفافیت در خصوص نحوه عملکرد ماشین‌ها چالش‌هایی مبنی بر پاسخ‌های غیر منصفانه توأم با سوگیری را ایجاد کرده است. تا امروز، راه حل قطعی جهت رفع این نقیصه ارائه نشده است (حسینی و همکاران، ۱۴۰۲: ۸۵ - ۸۶). در رسیدگی قضایی و داوری مستدل و مستند بودن تصمیم‌گیری داوران از اهمیت بالایی برخوردار است و چنانچه مبنای رأی داور نظریه هوش مصنوعی باشد، وجود جعبه سیاه مانع جدی بر پذیرش داده‌های هوش مصنوعی به دلیل فقدان شفافیت است.

برخی از محققان بر این باورند که اگر هوش مصنوعی از روش یادگیری ماشین و داده‌های کلان استفاده کند، چالش مربوط به شفافیت جدی‌تر خواهد شد. اگر با رویکرد افراطی رعایت قواعد مربوط به شفافیت ضروری تلقی شود، دیوان داوری از مزایای گسترده هوش مصنوعی محروم خواهد ماند. بنابراین با رویکرد متعادل و استفاده از مکانیسم‌های نظارتی دیوان داوری می‌تواند از مزایای هوش مصنوعی بهره‌مند شود (حسینی و همکاران، ۱۴۰۲: ۷۷ - ۷۸). یکی از روش‌های نظارتی بازبینی خروجی هوش مصنوعی توسط داوران است. همچنین استفاده از هوش مصنوعی قابل توضیح تا حدودی می‌تواند راهگشا باشد. به نظر می‌رسد لزوم اخذ توضیح از کارشناسان در فرض مبهم بودن نظریه کارشناسی ناظر بر رعایت اصل مستند و مستدل بودن آرا و شفافیت فرایند داوری است. اگر خروجی هوش مصنوعی به عنوان نظریه کارشناسی در هاله‌ای از ابهام قرار گیرد، داور می‌تواند از استناد به آن صرف نظر کند؛ همان‌طور که اگر نظریه کارشناسی ارائه شده توسط کارشناس انسانی مجمل و مبهم باشد و توضیحات مشارالیه نیز داور را قانع نکند، رد آن نظریه موجه است. از طرفی، در روش‌های سنتی ارزیابی نظریه کارشناسی مقنن احضار

کارشناس جهت ادای توضیحات را به منظور رعایت اصل شفافیت ضروری می‌داند. در روش‌های نوین نیز داور می‌تواند خروجی هوش مصنوعی را با سایر اوضاع و احوال پرونده تطبیق و مقایسه کند و از این طریق رعایت اصل یادشده تضمین شود. محدوده اختیارات کارشناسان در امور موضوعی است و احراز امور حکمی در صلاحیت قاضی یا داور است (بازگیر، ۱۳۹۶: ۷۶). در خصوص اعتبار نظریه کارشناسی دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. برخی معتقدند که قاضی یا داور بر اساس ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی در پذیرش یا رد آن مخیر است. برخی نیز حسب ماده ۲۵۸ قانون یادشده نظریه کارشناس را صرفاً زمانی مردود می‌دانند که با اوضاع و احوال مطابقت نداشته باشد (گلدوزیان، ۱۳۸۲: ۶۴). به نظر می‌رسد اولاً بر اساس مفهوم مخالف ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی، که مقرر می‌دارد در صورتی که نظر کارشناس مطابق با اوضاع و احوال نباشد، دادگاه به آن ترتیب اثر نخواهد داد، اعتبار اولیه نظریه کارشناسی مفروض مقنن است. ثانیاً اختیار و صلاحیت دادگاه در ارزیابی نظریه کارشناسی حاکی از طریقت داشتن نظریه کارشناسی است و داور بر اساس اوضاع و احوال موضوع متنازع‌فیه و با نگاهی بر سایر ادله اقدام به تصمیم‌گیری می‌کند. بنابراین، چنانچه داده‌های تولیدشده هوش مصنوعی با سایر قرائن و احوالات موضوع هم‌سو باشد، معترض‌عنه باید دلایلی بر رد یافته‌های هوش مصنوعی ارائه کند. به عبارت دیگر، نظریه کارشناسی اماره قانونی است و چنانچه دلایلی علیه آن وجود داشته باشد، از اعتبار ساقط می‌شود. ثالثاً بند ۲ ماده ۳۰ قانون داورى تجارى بین‌المللى ایران به لزوم مدلل بودن آرا و تصمیمات داور اشاره دارد؛ مگر اینکه طرفین حق خود نسبت به این موضوع را ساقط کنند. با این توصیف، توضیح‌پذیری حق است نه حکم. اگر طرفین حل اختلاف به صراحت نسبت به عدم لزوم توضیح‌پذیری هوش مصنوعی یا مدلل بودن تصمیمات آن در موافقت‌نامه داورى اشاره کرده باشند، چالشی وجود نخواهد داشت.

گفتنی است انتظار و توقع توضیح‌پذیری هوش مصنوعی در همه موارد امکان‌پذیر نیست و نیاز به تلاش مهندسان در اجرای چنین قابلیت‌هایی است. اما هر چه توضیح دادن هوش مصنوعی بیشتر باشد، دقت و کارکرد آن پایین می‌آید. چون ساخت چنین سیستم هوشمندی مستلزم وجود داده و منابع مالی قابل توجهی است که در حال حاضر چنین امری دشوار است و مانعی برای گسترش فناوری خواهد شد. بنابراین توصیه می‌شود که موارد اساسی برای توضیح هوش مصنوعی تعریف و اهداف و تابع آن مشخص شود تا از چالش‌های مالی و فنی آن گذر کرد (Velez et al., 2017: 21). پیشنهاد می‌شود به منظور رفع چالش حقوقی مطروحه و تبعات آن از هوش مصنوعی قابل توضیح استفاده شود و محدودیت‌های هوش مصنوعی برای طرفین حل اختلاف قبل از ارزیابی ادله تبیین شود.

شهادت کارشناس

در ماده ۲۵ قانون داورى تجارى بین‌المللى ایران، کشف حقیقت از طریق کارشناسی به جهات مختلف می‌تواند دستاویز طرفین حل اختلاف داورى قرار بگیرد. برای دستیابی به این مهم، اولاً با استناد به مفهوم کارشناس در صدر ماده یادشده طرفین می‌توانند تقاضای ارجاع موضوع به کارشناس را به لحاظ علمی یا فنی از داور مطالبه کنند. ثانیاً بر اساس قسمت دوم همان ماده طرفین می‌توانند به منظور اثبات حقانیت کارشناسان را به عنوان شاهدی بر مدعای خود به دیوان داورى معرفی کنند. گفتنی است که اگر کارشناس به عنوان شاهد در فرایند داورى حاضر شود، شهادت وی حسب ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی دلیل و نه اماره تلقی می‌شود.

تفاوت شاهد با کارشناس این است که شهود یا مطلعان بر اساس مشاهدات قبلی خود و کارشناسان بر اساس اطلاعات و دانش فعلی اقدام به اظهار نظر می‌کنند (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ج ۲: ۱۱۱ - ۱۱۲؛ مافی، ۱۳۹۷: ۲۸۳). نظریه کارشناس چنانچه بر اساس استنباط او از وقایع باشد، اماره است. اما اگر بر اساس مشاهدات خود باشد، دلیل است (مافی، ۱۳۹۷: ۲۸۱). در خصوص اینکه آیا داور می‌تواند جهت کشف حقیقت موضوع را بدون در نظر گرفتن رضایت طرفین ارجاع به کارشناس دهد یا خیر، برخی معتقدند، با توجه به قسمت پایانی پاراگراف اول همان قانون، بدون رضایت طرفین ممکن نیست. در صورت عدم رضایت، داور باید بر اساس مدارک موجود اتخاذ تصمیم کند (مافی، ۱۳۹۷: ۲۷۹). همچنین، ضمانت اجرای عدم همکاری طرفین با کارشناس صدور رأی توسط داور بر اساس ادله موجود است (مافی، ۱۳۹۷). نظریه کارشناس اماره‌ای بر واقع است که بدون دلیل نمی‌توان آن را مردود دانست. نظریه کارشناس باید مستدل و مستند باشد. همچنین، با ارجاع موضوع به کارشناسی،

داور صرفاً زمانی می‌تواند منتظر پاسخ کارشناس باشد که ادله موجود برای صدور رأی کفایت نکند. رأی داوری نیز باید مبانی و پایه‌های علمی، فنی، یا محاسباتی داشته باشد.

استفاده از تجارب کارشناسان در فقه نیز تحت عنوان اهل خبره مورد بحث قرار گرفته است. برخی معتقدند که اهل خبره یا کارشناسان در جایی که علم آن‌ها سرنوشت‌ساز یا مؤثر در اثبات امری باشد باید شرایط شاهد، از جمله عدالت و اسلام و غیره، را داشته باشند. اما در مواردی که اظهار نظر آن‌ها صرف ظن به موضوع می‌کند نیازی به احراز چنین شرطی نیست (هاشمی، ۱۴۲۶: ۷۳۱-۷۳۲). برخی میان شهادت شاهد و کارشناس قائل به تفکیک هستند. در خصوص شاهدان اعلام کرده‌اند که شاهد صرفاً بر اساس حواس پنجگانه خبری از وقایع می‌دهد؛ لکن کارشناس بر اساس حدس و گمان و ادراک خود نسبت به موضوعی اظهار نظر می‌کند. بنابراین به نظر این صاحب‌نظران احراز شرایط شاهد برای کارشناس ضعیف است (نایینی، ۱۴۰۶: ۱۴۲).

عده‌ای نیز به طور کلی تطبیق شرایط شاهد با کارشناس را نفی می‌کنند. برخی از حقوقدانان معتقدند که کارشناس باید کارشناس رسمی دادگستری باشد. همچنین کارشناس در امور حکمی نمی‌تواند دخالت کند. البته در مقابل برخی بر این باورند که کارشناسان در داوری در همه امور، اعم از حکمی یا موضوعی، می‌توانند دخالت کنند (خدابخشی، ۱۳۹۷: ۲۸۱). پس از تعاریف فقهی و حقوقی و اشاره به اوصاف و اعتبار نظریه کارشناسی، در ادامه، پاسخ داده می‌شود که آیا هوش مصنوعی می‌تواند به عنوان کارشناس داور را در کشف حقیقت یاری دهد.

در منطق ارسطویی یا منطق حاکم بر ریاضیات نتیجه در موضوع واحد یکسان است و کارشناس یا پژوهشگر دغدغه نتیجه را ندارد. به عبارت دیگر نتیجه تابع ضرورت و ارتباط آن با مقدمات اولیه است و احساسات یا تجربه یا عواطف تأثیری در نتیجه ندارد. اگر کارشناسان به دو نتیجه متفاوت در امور علمی یا فنی برسند، یکی از آن‌ها به قطع در اشتباه است (الشریف، ۱۳۸۶: ۸-۱۰). بر این اساس از آنجا که کارشناس در استدلالات خود از قضایای حقیقی بهره می‌برد و نیازی به رعایت انصاف و عدالت یا سایر مفاهیم آرمان‌گرایانه ندارد، اجرای این منطق صوری در مدل‌های هوش مصنوعی با مشکلی مواجه نیست. بنابراین هوش مصنوعی می‌تواند اعمال یا اقدامات فنی را چه‌بسا بهتر از کارشناسان انسانی انجام دهد. در قوانین نیز بر لزوم به‌کارگیری کارشناسان انسانی اشاره نشده است.

همچنین آن دسته از فقهای که تطبیق شرایط شاهد با کارشناس را ضروری نمی‌دانند به نظر می‌رسد به علت منطق صوری حاکم بر استدلالات ریاضی و فنی چنین نظری دارند. به عبارت دیگر، اسلام، ایمان، یا طهارت اشخاص تأثیری در نتیجه نهایی نخواهد داشت. صرفاً موضوع از این جهت می‌تواند مورد چالش قرار بگیرد که کارشناس، پس از بررسی موضوع، به مفاهیم یا اطلاعاتی دست می‌یابد که بعضاً قضات یا داوران بدون رسیدگی به سایر ادله آن را مستند رأی خود قرار می‌دهند. رابطه فی ما بین طرفین حل اختلاف با کارشناسان را می‌توان این‌گونه بیان کرد که وقتی طرفین او را به عنوان کارشناس انتخاب می‌کنند، به نوعی، به او وکالت در انجام دادن کاری را می‌دهند. وکیل نیز به عنوان امین و با رعایت مصلحت و غبطه موکل و امانت‌داری باید بدون هر گونه غرض‌ورزی یا تقلب نتایج یا یافته‌های خود را در اختیار موکلان یا همان مرجع داوری قرار دهد. وجود اشخاصی که التزام عملی به امانت‌داری یا رعایت جوانمردی نداشته باشند، هرچند نتیجه حاصل از منطق صوری یکسان است و نتیجه واحد در عالم واقع دارد، ویژگی اشخاص یادشده می‌تواند راه حیل و تقلب و جعل نتیجه را باز بگذارد و تأثیر منفی در فرایند ارزیابی دلایل داشته باشد. بنابراین چنانچه هوش مصنوعی با داده‌های مناسب و فاقد سوگیری آموزش ببیند، از چالش مطروحه در امان خواهد بود.

اماره

در ماده ۱۳۲۱ قانون مدنی، اماره شامل اوضاع و احوالی است که از نظر قانون یا قاضی دلیل بر امری باشد. امارات قانونی شامل نشانه‌هایی است که مقنن آن را دلیل بر امری می‌داند. برخی اماره قانونی را به اماره نسبی و مطلق تقسیم می‌کنند. اماره قانونی مطلق نشانه‌ای است که هیچ دلیلی نمی‌تواند آن را نقض کند. اماره نسبی تا زمانی معتبر است که دلیلی خلاف آن را اثبات نکند

(مدنی، ۱۳۷۵: ۴۹۸ - ۴۹۹). اماره اوضاع و احوالی است که با واقعیت همراه است و به صورت غیر مستقیم ذهن را به واقعیت هدایت می‌کند. دلیل هر امری است که مستقیم ذهن دادرس را به واقعیت هدایت می‌کند (مافی، ۱۳۹۷: ۲۸۰ - ۲۸۱).

اماره قضایی هر امری است که دلالت مستقیم یا مطابقی بر وقوع رویداد یا حادثه ندارد و چهره احتمالی دارد. اعتبار آن تا جایی است که دلیلی بر خلاف آن اقامه و احراز نشود. دادرس با استقرا و نتیجه‌گیری از نشانه‌ها و قراین درمی‌یابد که پدیده‌ای اماره قضایی است. اماره و فرض قانونی مفهوم یکسان ندارند. اولی به نوعی کاشف از واقع است و خلاف آن با دلیل اثبات می‌شود. اما خلاف فرض قانونی با دلیل اثبات نمی‌شود. در وهله اول، اعتبار و مشروعیت اماره قانونی برای دادرس اجباری است. مثلاً اگر شخصی متصرف در مالی باشد، اماره ید نشانه‌ای بر مالکیت است و دادرس نمی‌تواند از پذیرش آن خودداری کند (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ج ۱: ۲۸ - ۲۹ و ج ۲: ۱۵۰).

ظن ایجادشده از اماره قانونی ناشی از غلبه و نوعی بودن آن است. اما علم ایجادشده توسط اماره قضایی ناشی از غلبه نیست؛ بلکه قاضی در هر دعوا با توجه به شرایط خاص نشانه‌هایی را دلیل بر امری می‌پندارد. بنابراین، این دلیل را اماره موضوعی یا شخصی نیز نام‌گذاری کرده‌اند. پذیرش این اماره برخلاف اماره قانونی برای داور یا قاضی اجباری نیست. زیرا پذیرش آن مستلزم اقناع وجدان دادرس است (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ج ۲: ۱۶۵).

در کشور آمریکا، در خصوص اماره دو نظر وجود دارد. برخی معتقدند اماره تا جایی معتبر است که دلیل مخالف آن وجود نداشته باشد. برخی نیز بر این باورند که صرف وجود دلیل کافی برای نقض اماره نیست، بلکه اماره زمانی نقض می‌شود که دلیل قانع‌کننده وجود داشته باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ج ۲: ۱۷۸). حال این سوال پیش می‌آید که داده‌های تولیدشده توسط هوش مصنوعی در زمره امارات قرار می‌گیرد یا خیر.

داده شامل اطلاعات خامی است که به صورت یک نماد، مثل عکس یا تصویر یا عدد، بیان می‌شود. در پردازش یا تجزیه و تحلیل داده، معانی و مفاهیمی تولید می‌شود که به آن اطلاعات می‌گویند. هوش مصنوعی وابسته به داده است و قاعدتاً هر چه داده‌ها از منظر کیفیت یا تنوع یا کمیت برجسته باشند، عملکرد هوش مصنوعی نیز ارتقا می‌یابد (انصاری، ۱۴۰۲: ۶۷ - ۶۸).

داده‌های تولیدشده توسط ماشین‌ها به داده‌های خام و مشتق و استنباطی تقسیم می‌شوند. داده خام نمادهای منعکس‌کننده واقعیت است. مثلاً کاربران داده‌های مربوط به خود را، مثل عکس چهره، به هوش مصنوعی می‌دهند. داده‌های مشتق عبارت‌اند از مجموعه داده‌های ارائه‌شده به هوش مصنوعی که با سایر داده‌ها توسط ماشین ترکیب و داده جدید تولید می‌شود، مثل ترجمه‌ها. داده‌های استنباطی به این معنا است که هوش مصنوعی بدون اینکه داده‌ای به آن ارائه شود، بر اساس ترکیب و استنباط، از داده‌های مختلف نتایج خود را ارائه می‌دهد. البته برخی میان داده استنباطی و مشتق تفاوتی قائل نشده‌اند (انصاری، ۱۴۰۲: ۲۱۷ - ۲۱۸).

در خصوص اینکه داده‌های تولیدشده توسط هوش مصنوعی متعلق به چه کسی است محل نزاع بین اندیشمندان است. بر اساس دیدگاه حقوق طبیعی، مالکیت فکری ناظر بر اشخاص حقیقی است؛ اما از دیدگاه اقتصادی یا فایده‌گرانه انتساب داده به هوش مصنوعی با مانع جدی روبه‌رو نخواهد شد. همچنین برخی معتقدند که اگر هوش مصنوعی بر اساس تحلیل‌های محاسباتی و بدون نیاز به دخالت انسان آثاری را تولید کند، با توجه به اینکه فرایند درک و نتیجه حاصله توسط ماشین برای مالک یا سایر اشخاص به علت وجود جعبه سیاه میسر نیست، انتساب این داده‌ها به هوش مصنوعی قابل توجه است (انصاری، ۱۴۰۲: ۲۲۰ - ۲۲۲). به عقیده برخی هرچند تفسیر قواعد حاکم بر ادله از انعطاف بالایی برخوردار است، به طور کلی، دلیلی مورد پذیرش است که مرتبط باشد. وکلایی که دلایل تولیدشده توسط هوش مصنوعی را به محکمه ارائه می‌دهند ممکن است با چالش عدم پذیرش و عدم اعتبار روبه‌رو شوند. چنانچه قاضی یا داور استنباط کند که دلایل ارائه‌شده حاصل پردازش غیر منصفانه و پیش‌داوری بوده است، ارزش اثباتی آن از اعتبار ساقط می‌شود (Rodrigues, 2023: 801).

به نظر می‌رسد با توجه به تعاریف به‌عمل آمده داده‌های هوش مصنوعی می‌توانند اماره قضایی و نه قانونی تلقی شوند. زیرا این داده‌ها توسط قانون‌گذار ایرانی به رسمیت شناخته نشده‌اند و مقتن آن را نشانه‌ای بر کشف واقع محسوب نکرده است. اما اگر این داده‌ها از کیفیتی برخوردار باشند که با استنتاج قاضی یا داور مؤید یا کاشف از واقع باشند، پذیرش آن به عنوان اماره قضایی

محل تأمل است. اولاً قاضی یا داور در پذیرش آن تکلیف و الزامی ندارد. ثانیاً با توجه به اینکه تلقی کردن داده‌های تولیدشده توسط هوش مصنوعی به عنوان نوآوری و حمایت از آن به عنوان یک اثر فکری و معنوی محل بحث میان اندیشمندان است، ذهن دادرس را به معتبر بودن آن سوق می‌دهد. بدیهی است با توجه به چالش‌هایی چون سوگیری و عدم شفافیت داور در ارزیابی آن از اختیار کافی برخوردار است. مثلاً، داور می‌تواند داده‌های تولیدشده توسط هوش مصنوعی را با سایر دلایل و مستندات یا اوضاع و احوال پرونده بسنجد و در نهایت تصمیم‌گیری کند که آیا مدارک هوشمند قابلیت استناد را دارد یا خیر. گفتنی است توسعه و طراحی هوش مصنوعی قابل توضیح یا الزام مالکان این سیستم‌ها به ارائه توضیحات در خصوص ماهیت داده‌های آموزشی و نحوه عملکرد سیستم هوش مصنوعی ضروری است.

اما همان‌طور که در تعاریف اماره قضایی و قانونی در متون فوق به آن اشاره شد، اگر طرفین حل اختلاف در موافقت‌نامه داوری داده‌ها یا اطلاعات حاصل از هوش مصنوعی را معتبر تلقی کنند، آیا همچنان داور می‌تواند آن را اماره قضایی محسوب کند؟ در پاسخ به این سؤال باید قوانین حاکم بر امارات و اختیار داور مورد بررسی قرار بگیرد. بر اساس ماده ۱۹ قانون داوری تجاری بین‌المللی داور در ارزیابی ادله از حیث ارتباط و ارزش اثباتی صلاحیت و اختیار دارد. در ماده ۱۰ همان قانون مقرر شده که طرفین می‌توانند قواعد حاکم بر رسیدگی‌های شکلی را تعیین کنند. همچنین داوری روش خصوصی جهت حل و فصل اختلافات است که صلاحیت داور ارتباط موثق و تنگاتنگی با اراده و اختیارات طرفین حل اختلاف دارد. ضمانت اجرای نادیده گرفتن شرط داوری نیز بطلان رأی داوری است.

همان‌طور که توضیح داده شد اختیار داور در پذیرش یا رد اماره قضایی از ابتدا مبسوط است. اما رعایت شرط داوری و اراده طرفین می‌تواند مانع این اختیار داور شود و با این اوصاف پذیرش آن برای داور اجباری است و از شمول اوصاف و ویژگی‌های اماره قضایی خارج می‌شود. به نظر می‌رسد در چنین شرایطی هوش مصنوعی ذیل دلیل کارشناسی قرار خواهد گرفت. هرچند داده‌های تولیدشده توسط هوش مصنوعی به عنوان دلیل در ضمن عقد شرط شده است، داور بر اساس اختیارات مصرح در ماده ۱۹ قانون داوری تجاری بین‌المللی تکلیفی در پذیرش نظریه کارشناسی نخواهد داشت و از چالش‌های مربوط به امارات قضایی که در سطور فوق اشاره شد مصون خواهد ماند.

نظریه مشورتی

در برخی مواقع، داوران یا قضات به منظور صدور آرای متقن با نگاهی بر رویه قضایی و نظریه مشورتی اقدام به تصمیم‌گیری می‌کنند. سازمان‌ها و منابع مختلفی دادگران را از نظریه مشورتی بهره‌مند می‌سازند و در صدور آرای عادلانه و منصفانه سهیم‌اند. دوست دادگاه، که معادل لاتینی آمیکوس کوریا است، آن دسته از اشخاصی هستند که با ارائه نظرات خود در امور حکمی و موضوعی قضات را در صدور رأی عادلانه و منصفانه یاری می‌دهند. این اصطلاح، که در روم باستان متبلور شد، در مفهوم سستی خود درباره افرادی به کار می‌رفت که به صورت رایگان جهت تحقق اهداف یادشده به درخواست دادگاه‌ها یاری می‌رساندند. اما دوست دادگاه در مفهوم نوین شخصی است که جهت حمایت از اقلیت یا صنف‌های مختلف نظریات تکمیلی خود را ارائه می‌دهد. اما مستقیم نفعی در دعا ندارد و از اصحاب دعا به شمار نمی‌آید (ابهری و فلاح، ۱۳۹۷: ۲۸۶ - ۲۹۰).

به تعبیر برخی اگرچه مفهوم دوست دادگاه در قوانین ایران به صراحت پیش‌بینی نشده، تأسیس اداره کل حقوقی که جهت استعلامات قضایی نظریات مشورتی در امور حقوقی، اعم از موضوعی و حکمی، ارائه می‌دهد همان مفهوم آمیکوس کوریا یا دوست دادگاه را می‌رساند. ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی نیز در این زمینه به دادرس در کشف حقیقت اختیار مطلق داده است که بهره‌گیری از نظریات مشورتی دوستان دادگاه یکی از راه‌های رسیدن به کشف حقیقت است (ابهری و فلاح، ۱۳۹۷).

همچنین در تعریف دوست دادگاه آمده است اشخاص حقیقی یا حقوقی که نسبت به مسائل حکمی و موضوعی اظهار نظر می‌کنند و به واسطه دانش یا تخصصی که دارند دادرس را در راه رسیدن به کشف حقیقت یاری می‌دهند. نیز تأثیر قابل توجهی در احیای حقوق عامه دارند (پاک‌نژاد و غمامی، ۱۴۰۰: ۵۶). برخی نیز از دوستان دادگاه به عنوان همیار دادگاه یاد کرده‌اند و او را شخصی می‌دانند که راساً یا به تقاضای دادگاه جهت رفع مجهولات حکمی و موضوعی ایفای نقش می‌کند. همچنین در دعا مستقیماً نفعی ندارد و برای تأمین منافع جمعی، که خود یکی از آن‌هاست، لوایحی را ارائه می‌کند. در پرونده شکایت شرکت

کانادایی متانکس علیه دولت امریکا، مؤسسه ملی پایدار به عنوان دوست دادگاه لوایحی را جهت تشریح و تبیین موضوع به دیوان داوری ایکسید ارائه کرد (نیک‌بخت و خسروشکی، ۱۴۰۲: ۱۱ - ۲۰).

هرچند در حقوق ایران و در قوانین داوری به صراحت از نهاد همیار دادگاه یا دوست دادگاه یاد نشده است، از مجموع قواعد و مقررات جواز به کارگیری چنین نهادی در نظام حقوقی ایران قابل برداشت است. اولاً بر اساس اطلاق ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی هر گونه اقدام برای کشف حقیقت از سوی دادرس مجاز است. ثانیاً این آزادی در مواد ۱۸، ۱۹، ۲۵، ۲۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی و مواد ۴۷۶ و ۴۷۷ قانون آیین دادرسی مدنی مورد تأکید مقنن قرار گرفته است. ثالثاً در قواعد داوری مرکز داوری اتاق ایران در ماده ۲۲ به داوران به صراحت اجازه داده شده از دستیاران داور استفاده کنند. دستیار داور هم، چون داور، باید بی طرف و مستقل باشد و طرفین صرفاً زمانی می‌توانند به او ایراد وارد کنند که موارد جرح داور، همچون خروج از بی طرفی، حادث شود.

با توجه به ظرفیت قوانین یادشده، به کارگیری هوش مصنوعی به عنوان دوست یا همیار یا دستیار در فرایند داوری منعی نخواهد داشت. حتی در قواعد داوری مرکز داوری اتاق ایران نیز شرایط و اوصاف دستیاران داور مسکوت باقی مانده است. بنابراین بر اساس اطلاق مواد یادشده راه پذیرش ماشین‌ها در نظریه‌پردازی نسبت به امور حکمی و موضوعی هموار می‌شود. گفتنی است تبعیت از نظریه دستیاران داور در همه قوانین یادشده الزامی نیست و بر اساس انعطاف قواعد داوری و حاکمیت اراده طرفین می‌تواند چنین امری الزامی شود. هوش مصنوعی با بهره‌گیری از روش‌های نوین، همچون شبکه‌های عصبی و یادگیری ماشین و پردازش زبان طبیعی، به عنوان دوست دادگاه یا دستیار، ادله حکمی و موضوعی داوری را اعتبارسنجی و یافته‌های خود را به داوران ارائه می‌کند. داوران حسب آزادی اراده در پذیرش یا رد آن، چنانچه داده‌ها مطلوب و مفید واقع شود، می‌توانند از آن در ارزیابی نهایی اختلاف بهره ببرند.

همچنین یکی از منابع استنباط احکام دلیل عقلی است؛ طوری که «ما حکم به العقل حکم به الشرع». ارتکاز عقلایی به معنای رسوخ کردن یک مفهوم در عرف عقلاست. چنانچه در زمان شارع ارتکاز عقلایی استفاده از روش‌های سنتی جهت کشف حقیقت برای داور را مجاز بداند، قاعداً این ارتکاز صرفاً به مفاهیم و مصادیق زمان قدیم محدود نمی‌شود. چون با گذر زمان مصادیق و مفاهیمی جدید به وجود می‌آیند که در آن عصر قابلیت تحقق نداشته‌اند (رحیمی و سلطانی، ۱۳۸۵: ۱۴۳). عرف عقلایی و دلیل عقلی به امضای شارع رسیده است و چنانچه عقلای عصر فعلی وجود هوش مصنوعی را برای تسهیل در امور لازم و معتبر بدانند، این ارتکاز نیاز به امضای شارع ندارد؛ درحالی که هوش مصنوعی با قابلیت‌های فعلی توانایی تفکر و یادگیری و خودارتقای را دارد.

بنابراین، اگر چنین ابزاری همچون انسان‌ها قدرت تفکر و تجزیه و تحلیل داشته باشد و در اختلافات پیچیده فرایند داوری را تسهیل کند، قاعداً، این ابزار هوشمند به جهت تسهیل و تسریع فرایند داوری مورد استقبال عقلا قرار می‌گیرد. شاید برخی استدلال کنند که ارتکاز عقلایی نیاز به امضای شارع دارد. در جواب می‌توان گفت که اصل داوری و اقدامات جهت کشف حقیقت توسط شارع امضا شده است. بنابراین تطبیق مصادیق و مفاهیم جدید کشف حقیقت نیز با عقلا است. در صورتی که در تعیین مصادیق جدید امضای شارع لازم باشد، تقسیم اموال به مال منقول و غیر منقول نیز شرعی نیست. چون در زمان شارع چنین تقسیمی وجود نداشته است. تفسیر این نظریه موجب انکار هر گونه پیشرفت و فناوری خواهد شد. چون توسعه علم و دانش در مفهوم جدید در زمان شارع وجود نداشته است، پس رد می‌شود.

در خصوص استفاده از داده‌های هوش مصنوعی در حکم نظریه مشورتی دوستان دادگاه یا همیاران داوری، با توجه به اینکه در قانون آیین دادرسی مدنی هر گونه اقدامات جهت کشف حقیقت برای دادرس مجاز محسوب شده است، چنانچه به کارگیری هوش مصنوعی به عنوان یک دستیار محل تردید باشد، می‌توان جواز استفاده از آن را بر اساس عرف به شرح پیش رو توجیه کرد. اولاً، هدف از وضع قوانین و مقررات تنظیم روابط مدنی و تجاری اشخاص و تسهیل در امور است. بنابراین جهت نیل به این اهداف توجه به عرف و ضرورت‌های اجتماعی زمان و مکان از اهمیت بالایی برخوردار است. ثانیاً، شارع و مقنن در امر تقنین اکثراً از واژگان به صورت مطلق استفاده کرده‌اند و ذکر همه مصادیق آن واژه یا مفهوم، با توجه به محدودیت‌های زمانی، میسر

نخواهد بود. چون اگر مقنن یا شارع همهٔ مصادیق یک مفهوم را با توجه به زمان وضع قانون تعیین کند، این امر منتهی به عدم توجه به ضرورت‌های اجتماعی و عرف آینده خواهد بود. ثالثاً، یکی از وظایف ولی‌فقیه آگاهی بر عرف و مقتضیات زمان خود است. رابعاً، عدم توجه به عرف و سیرهٔ عقلایی منافات با تلازم عقل و شرع دارد. بنابراین چنین نظری برخلاف احکام شریعت است. خامساً، با توجه به ماهیت هوش مصنوعی و بهره‌گیری از روش‌هایی مثل یادگیری ماشین بدون نظارت یا با نظارت، یادگیری تقویتی، و ظهور سیستم‌های هوش مصنوعی خودآگاه فرایند داوری و کشف واقعیت برای داوران تسهیل و تسریع می‌شود. از طرفی هدف و مراد قانون‌گذار کشف حقیقت است. ابزارهای رسیدن به کشف حقیقت موضوعیت ندارد؛ بلکه طریقت دارد. چنانچه در به‌کارگیری این سیستم‌ها تردید وجود داشته باشد، با احکام شریعت مبنی بر تسهیل امور، تنظیم روابط اشخاص، و ضرورت توجه به عرف و مقتضیات زمان سیره و عرف عقلایی مبنی بر شناسایی این سیستم‌ها در اکثر کشورها در عرصه‌های گوناگون و اقدام به وضع قانون در این زمینه در تعارض است.

شهادت

از جمله ادلهٔ اثبات شایع و رایج در داوری شهادت شهود است. شهادت به معنای اخبار به حقی به نفع یکی از طرفین و به ضرر دیگری تعریف شده است. در مادهٔ ۱۳۱۳ قانون مدنی دربارهٔ شرایط شاهد با تبعیت از فقه امامیه آمده است که عدالت، عقل، بلوغ، ایمان، و طهارت ضروری است. در این بخش بررسی می‌شود که آیا داده‌های تولیدشده توسط هوش مصنوعی می‌تواند در حکم شهادت تلقی شود؟ به عبارت دیگر، آیا هوش مصنوعی واجد شرایط مندرج در مادهٔ ۱۳۱۳ قانون مدنی هست؟

از زمرهٔ ویژگی‌های شاهد بلوغ است. مثلاً، در قانون مدنی ایران سن بلوغ پسران ۱۵ سال و دختران ۹ سال است. در بخش دوم از قانون مالزی مصوب ۱۹۷۱ آمده سن بلوغ ۱۸ سال است. احراز این ویژگی در هوش مصنوعی چالش‌برانگیز است. زیرا ربات ماشینی است که در معرض رشد اعم از جسمی و سنی نیست. همچنین اندام‌های بدن انسان برخلاف ربات دائم در حال تکامل هستند. به طور خلاصه، برخلاف انسان، هیچ ربات بزرگسال یا بالغی وجود ندارد (Hussain et al., 2023: 112).

در خصوص ویژگی عدالت، به طور کلی عادل کسی است که از گناهان کبیره و صغیره دوری و اجتناب می‌کند. بنابراین نه تنها در امور دینی و معنوی، بلکه در امور دنیوی نیز از جایگاه والایی برخوردار است. در همین زمینه، استدلال می‌شود که عدالت از ویژگی‌های انسانی است که او را از انجام دادن گناهان کبیره و صغیره باز می‌دارد (Hussain et al., 2023). نظر به اینکه عدالت یک فضیلت انسانی است که فراتر از الگوریتم‌های کدگذاری و برنامه‌ریزی شده است، اساساً تطبیق این وصف با ماهیت هوش مصنوعی ممکن نیست. چنانچه مقتضای احراز وصف عدالت رعایت امانت‌داری و اظهار حقیقت توسط شاهد باشد، سیستم هوشمندی که با داده‌های فاقد سوگیری آموزش دیده است واجد شرط یادشده است. به عبارت دیگر، عدالت عملی اولی از عدالت وصفی است.

در فقه امامیه و برخی فرق اهل سنت، با استناد به آیهٔ شریفه «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» (نسا/ ۱۴۱) و قاعدهٔ نفی سبیل، اسلام یکی از شروط اساسی برای شاهد و قاضی است. در مقابل، برخی از فرق اهل سنت، همچون حنفیان، اسلام در قضاوت را به طور کلی شرط ضروری نمی‌دانند (بیش‌به‌نیا، ۱۴۰۰: ۴۰ - ۴۱). به طریق اولی این شرط برای شاهد نیز مؤثر نیست.

در خصوص شرط ایمان و اسلام، اساساً تفکیک ربات مسلمان و غیر مسلمان در جهان وجود ندارد. ممکن است استدلال شود چنانچه در آینده ربات طوری برنامه‌ریزی شود که اصول و احکام اسلامی را بشناسد و شهادت دو مرد در اثبات دعاوی مالی را ضروری بداند مسلمان نامیده شود. با این حال، نظر به اینکه ربات ساختهٔ بشر است و بر اساس الگوریتم و داده‌های آموزشی توسعه می‌یابد، شرط اسلام یا ایمان را به لحاظ فقدان اراده تأمین نمی‌کند. همچنین اگر ربات بر اساس الگوریتم‌های آموزش دیده طوری برنامه‌ریزی شود که شهادتین را برای گرویدن به اسلام بخواند، بنا بر عدم استقلال و اراده، مسلمان تلقی نمی‌شود. زیرا اجبار در دین نهی شده است (Hussain et al., 2023: 113-114).

پر واضح است که شهادت شاهد بعضاً در رسیدن به حقیقت و کشف واقع مؤثر و سرنوشت‌ساز است. بنابراین احراز راستگویی و معتمد بودن ایشان از اهمیت بالایی برخوردار است. از منظر مقنن، شرایط مندرج در مادهٔ ۱۳۱۳ قانون مدنی اماره‌ای بر صحت

گفتار شاهد است و این شروط می‌تواند به داور اطمینان دهد که مفاد شهادت صحیح است. شرایط و اوصاف یادشده اماره‌ای بر راستگویی است و اماره تا زمانی معتبر است که دلیلی خلاف آن ذکر نشود. بر این مبنا مقنن در ماده ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷ قانون مدنی صلاحیت و اختیار ارزیابی شهادت شهود و تطبیق مفاد آن با واقعیت را به داور یا قاضی اعطا کرده است. با توجه به اینکه نتیجه یا خروجی هوش مصنوعی ارتباط تنگاتنگی با داده‌های آموزشی دارد، اگر سوگیری یا تبعیض در فرایند آموزش هوش مصنوعی وجود نداشته باشد، فرض بر صحت داده‌های هوش مصنوعی است و اختیار ارزیابی آن کماکان برای داور محفوظ است. بنابراین هوش مصنوعی بنا بر تفسیر یادشده می‌تواند هدف مد نظر قانون‌گذار (راستگویی) را تأمین کند و از ایراد عدم احراز شرایط و اوصاف شاهد مصون باشد. به عبارت دیگر، شرایط و ویژگی‌های انسانی همچون ایمان، عدالت، و غیره نسبت به ماشین‌ها قابل تعمیم و ضروری نیست. همچنین با تمسک به قواعد ثانوی، مانند لاجرم یا الضرورات تبیح المحظورات، چالش‌های یادشده رفع خواهند شد. با این توضیح که نظر به اینکه عملکرد و توانایی ماشین‌ها در کشف حقیقت، که از اهداف غایی و مطلوب مقنن است، نقش مهمی را ایفا می‌کند، عدم پذیرش ماشین‌ها و تحمیل شرایط و ویژگی‌های انسانی همانند عدالت، ایمان، و غیره اسباب عسر و حرج را فراهم می‌کند. بنابراین، بنا بر حکم ثانوی، اوصاف یادشده موضوعیت نخواهند داشت.

نتیجه

امکان استفاده از داده‌های هوش مصنوعی در داوری و استناد به آن در آرای صادره محل بحث و نزاع میان اندیشمندان حقوقی است و عدم توجه و درک درست از ماهیت و چستی این فناوری مقبولیت و اعتبار آن را تنزیل می‌کند. به منظور پاسخ به فرضیه و سؤال تحقیق، منابع و اقوال مختلف از حقوقدانان مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت دیدگاه نگارنده به شرح پیش رو تبیین می‌شود. به نظر می‌رسد نتایج و یافته‌های هوش مصنوعی بعضاً می‌تواند در قالب اماره، نظریه کارشناسی، شهادت، و نظریه مشورتی در اختیار دیوان داوری قرار بگیرد.

اولاً در خصوص اعتبار داده‌های هوش مصنوعی در جایگاه نظریه کارشناسی باید اذعان کرد برخی مفاهیم حقوقی قابلیت توسعه دارند؛ به شرطی که مصداق واقعی همان مفاهیم سابق باشند. مثلاً، در روش‌های سنتی حل‌وفصل اختلافات داور جهت کشف حقیقت در مواردی موضوع را به کارشناس ارجاع می‌دهد. با توجه به اینکه هدف از ارجاع موضوع به کارشناس کشف حقیقت و اظهار نظر تخصصی و علمی و فنی است، چنانچه هوش مصنوعی چنین هدفی را محقق و میسر سازد، این روش جدید کماکان همان مفهوم کارشناسی را تبیین می‌کند و از طرفی اقدامات کاشف حقیقت طریقت دارد، نه موضوعیت.

ثانیاً داده‌های هوش مصنوعی می‌توانند اماره قضایی و نه قانونی تلقی شوند. زیرا این موضوع در قوانین مسکوت است و به‌صراحت نشانه‌ای بر کشف واقع تلقی نشده است. اگر نتایج هوش مصنوعی از کیفیتی برخوردار باشند که با استنتاج قاضی یا داور مؤید یا کاشف از واقع باشند، پذیرش آن به عنوان اماره قضایی محل تأمل است. اول اینکه قاضی یا داور در پذیرش آن تکلیف و الزامی ندارد و دوم اینکه با توجه به اینکه تلقی کردن داده‌های تولیدشده توسط هوش مصنوعی به عنوان نوآوری و حمایت از آن به عنوان یک اثر فکری و معنوی محل بحث میان اندیشمندان است ذهن دادرس را به معتبر بودن آن سوق می‌دهد.

ثالثاً نتایج هوش مصنوعی می‌تواند به عنوان شهادت معتبر باشد. شهادت شاهد بعضاً در رسیدن به حقیقت و کشف واقع مؤثر و سرنوشت‌ساز است. بنابراین احراز راستگویی و معتمد بودن ایشان از اهمیت بالایی برخوردار است. به منظور احراز وصف یادشده، قانون‌گذار شرایطی را برای شاهد در ماده ۱۳۱۳ قانون مدنی وضع می‌کند. اوصاف مندرج در قانون مارالذکر، اماره‌ای بر راستگویی است و اماره تا زمانی معتبر است که دلیلی بر خلاف آن ذکر نشود. با توجه به اینکه نتیجه یا خروجی هوش مصنوعی ارتباط تنگاتنگی با داده‌های آموزشی دارد، اگر سوگیری یا تبعیض در فرایند آموزش هوش مصنوعی وجود نداشته باشد، فرض بر صحت داده‌های هوش مصنوعی است و اختیار ارزیابی آن کماکان برای داور حسب مواد ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷ قانون مدنی محفوظ است. بنابراین هوش مصنوعی بنا بر تفسیر یادشده می‌تواند هدف مد نظر قانون‌گذار (راستگویی) را تأمین کند و از ایراد عدم احراز شرایط و اوصاف شاهد مصون باشد.

رابعاً هوش مصنوعی به عنوان دوست و دستیار داوری می‌تواند نظریه مشورتی در ادله موضوعی و حکمی را در اختیار داوران به منظور کشف حقیقت قرار دهد. با این توضیح که بر اساس اطلاق ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی هر گونه اقدامات برای

کشف حقیقت از سوی دادرس مجاز است و این اختیار در مواد ۱۸، ۱۹، ۲۵، و ۲۷ قانون داورى تجارى بین‌المللى و مواد ۴۷۶ و ۴۷۷ قانون آیین دادرسی مدنى مورد تأکید مقنن قرار گرفته است. همچنین، در قواعد داورى، مرکز داورى اتاق ایران در ماده ۲۲ به داوران به صراحت اجازه داده است تا از دستیاران داور استفاده کنند. دستیار داور هم چون داور باید بی‌طرف و مستقل باشد و طرفین صرفاً زمانی می‌توانند به او ایراد وارد کنند که موارد جرح داور همچون خروج از بی‌طرفی حادث شود و شرایط یا اوصاف خاصی برای دستیار داور ذکر نشده است. بنابراین چنانچه هوش مصنوعی بر اساس داده‌های معتبر و علمى و فاقد سوگیری توسعه یابد، قواعد امره داورى همچون بی‌طرفی رعایت می‌شود و مانعی برای رد آن وجود ندارد.



منابع

- ابهری، حمید و فلاح‌خاریکی، مهدی (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی مفهوم و کارکرد دوست دادگاه در حقوق ایران و کامن‌لا. *تحقیقات حقوقی*، ۲۱(۸۳)، ۲۸۶ - ۳۰۷.
- اسمعیل‌پور، محمدامین؛ قناد، فاطمه و جعفری ندوشن، شهاب (۱۴۰۲). امکان‌سنجی به‌کارگیری هوش مصنوعی در ارزیابی ادله دآوری از منظر فقه و حقوق. *حقوق پزشکی*، ۱۷، ۵۸.
- انصاری، باقر (۱۴۰۲). *حقوق داده‌ها و هوش مصنوعی*، مفاهیم و چالش‌ها. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بیش‌به‌نیا، الهه (۱۴۰۰). حکم تکلیفی به‌کارگیری هوش مصنوعی به عنوان قاضی از نظر فقه امامیه. *پایان‌نامه کارشناسی/ارشد*. کرمان: دانشگاه شهید با هنر.
- پاک‌نژاد، امین‌الله و غمامی، سید محمد (۱۴۰۰). سازکارهای مشارکت نهادهای دوست دادگاه در احیای حقوق عامه. *مطالعات حقوق بشر اسلامی*، ۱۰(۴)، ۵۵ - ۷۹.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. تهران: گنج دانش. ج ۴.
- حسینی، احمد؛ عبدخدایی، زهره و شریف‌خانی، محمد (۱۴۰۲). کاربرد هوش مصنوعی در رسیدگی‌های قضایی، چالش شفافیت و راهکارهای آن. *دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ۲۸(۱۰۱)، ۶۷ - ۹۰.
- خدابخشی، عبدالله (۱۳۹۷). *حقوق دعاوی (بایسته‌های حقوق دآوری تطبیقی)*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رحیمی، مرتضی و سلطانی، عباس‌علی (۱۳۸۵). مبانی فقهی- حقوق مالکیت معنوی در فقه شیعه، الهیات و معارف اسلامی. *مطالعات اسلامی*، ۷۳، ۱۳۳ - ۱۷۲.
- الشریف، محمدمهدی (۱۳۸۶). صورت‌گرایی در استدلال قضایی (پژوهشی در نسبت بین قیاس قضایی و قیاس صوری). *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۳۷(۲)، ۱ - ۳۹.
- عطاردیان، نوشین (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی ارزیابی دلیل در حقوق ایران و انگلیس. *پژوهش ملل*، ۴(۴۳)، ۷۳ - ۸۶.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲). *اثبات و دلیل اثبات*. تهران: میزان.
- _____ (۱۳۹۵). *اثبات و دلیل اثبات تهران: میزان*. ج ۱ و ۲.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۲). *محمضای قانون مجازات اسلامی*. تهران: مجد.
- مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۷۵). *آیین دادرسی مدنی*. تهران: گنج دانش. ج ۲.
- مردانی، نادر و بهشتی، محمدجواد (۱۳۸۰). *آیین دادرسی مدنی*. تهران: دادگستر. ج ۱.
- نایینی، محمدحسین (۱۴۰۶). *فوائد الاصول*. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ج ۳.
- نیک‌بخت، حمیدرضا و خسروسرشکی، هادی (۱۴۰۲). نقش همیار دادگاه (ذی‌نفع غیر مستقیم) در دآوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی. *تحقیقات حقوقی*، ۲۶(۱۰۲)، ۱۱ - ۳۴.
- هاشمی، سید محمود (۱۴۲۶ ق). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت*. قم: مؤسسه دایره‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت. ج ۱.
- Abhari, H. & Fallah-Khariki, M. (2018). A Comparative Study of the Concept and Function of Friend of the Court in Iranian Law and Common Law. *Legal Research*, 21(83), 286-307. (in Persian)
- Al-Sharif, M.M. (2007). Formalism in Judicial Reasoning (A Study on the Relationship between Judicial and Formal Reasoning). *Journal of the Faculty of Law and Political Sciences*, 37(2), 1-39. (in Persian)
- Ansari, B. (1402). *Data Rights and Artificial Intelligence: Concepts and Challenges*. Tehran: Publishing Company. (in Persian)
- Bishbehnia, E. (1400). The mandatory ruling on using artificial intelligence as a judge from the perspective of Imamiyyah jurisprudence. *Master's thesis*. Kerman: Shahid Ba-Honar University. (in Persian)
- Paknejad, A. & Ghamami, S. M. (1400). Mechanisms of Participation of Court-Friendly Institutions in the Restoration of Public Rights. *Islamic Human Rights Studies*, 10(4), 55-79. (in Persian)
- Jafari Langroodi, M.J. (1999). *Detailed in Legal Terminology*. Tehran: Ganj Danesh Publications. Vol. 4. (in Persian)
- Hosseini, A., Abd-Khodai, Z. & Sharif-Khani, M. (1402). The Application of Artificial Intelligence in Judicial Proceedings, the Challenge of Transparency and Its Solutions. *Quarterly Journal of Judicial Law Perspectives*, 28(101), 67-90. (in Persian)
- Khodabakhshi, A. (2018). *Litigation Law (Comparative Arbitration Law Requirements)*. Tehran: Publishing Company. (in Persian)

- Rahimi, M. & Soltani, A.A. (2006). Jurisprudential foundations of intellectual property rights in Shiite jurisprudence, Theology and Islamic teachings. *Islamic studies*, (73), 133-172. (in Persian)
- Atardian, N. (2019). A Comparative Study of Evaluating Reason in Iranian and English Law. *International Journal of Nations Research*, 4(43), 73-86. (in Persian)
- Katouzian, N. (2003). *Proof and Reason for Proof*. Tehran: Mizan Publishing House. (in Persian)
- (2016). *Proof and Reason for Proof*. Tehran: Mizan Publishing House. Vol. 1 & 2. (in Persian)
- Golduzian, I. (2003). *The Islamic Penal Code*. Tehran: Majd.
- Madani, S. J. (1996). *Civil Procedure Code*. Tehran: Ganj Danesh Publications. Vol. 2. (in Persian)
- Mardani, N. & Beheshti, M.J. (2001). *Civil Procedure Code*. Tehran: Dadgostar. Vol. 1. (in Persian)
- Nayini, M.H. (1997). Benefits of Principles. Qom: Islamic Publishing Institute. Vol. 3. (in Persian)
- Nikbakht, H.R. & Khosrowsarshki, H. (1999). The Role of the Court's Assistant (Indirect Beneficiary) in International Investment Arbitration. *Legal Research*, 26(102), 11-34. (in Persian)
- Hashemi, S. M. (1996). *The Culture of Jurisprudence According to the Ahl al-Bayt School*. Qom: Institute of Encyclopedia of Islamic Jurisprudence on the Ahl al-Bayt School. Vol. 1. (in Persian)
- Hussain, M. A., Labanieh, M. F., Mahdzir, N., Sulaiman, N., & Bawazir, O. S. A. (2023). The Potential Prospect of Artificial Intelligence (Ai) in Arbitrations From The International, National and Islamic Perspectives. *Journal of International Studies*, Vol. 19, Iss. 1.
- Ni, B. & Wang, X. (2024). *Geographic Research in the Ai era: Applications. Methods, and Prospects*, Geographical Research Bulletin. Vol. 3.
- Rodriguez, H. X. (2023). Artificial Intelligence and the Practice of Law. *The Sedona Conference Journal*.
- Srivastava, S. (2021). *Implementation of Artificial Intelligence in Arbitration*. University of slow. Faculty of Law.
- Velez, F. D., Kortz, M., Budish, R., Bavitz, C., Gershman, S., O'Brien, D., Scott, K., Shieber, S., Waldo, J., Weinberger, D., Weller, A., & Wood, A. (2017). Accountability of Ai under the Law, The Role of Explanation, Computer Science and Artificial Intelligence.
- Yavuz, C. (2019). Master Thesis. Machine bias : Artificial Intelligence and Discrimination, Lund University, Faculty of Law.